

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه‌ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست‌گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات
چهارمین کنگره بین المللی
علوم انسانی اسلامی**

کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی

اسامی هیئت داوران

کمیسیون «هنر و معماری»
رئیس کمیسیون: مهندس عبدالحمید نقره کار

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- پردیس بهمنی: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- سمانه تقدیر: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- محمدمنار رئیس: عضو هیئت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه قم
- محمد صالح شکوهی بیدهندی: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- محمدرضا عطایی همدانی: دکترای معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان
- صدیقه معین مهر: دکترای معماری اسلامی، مُدّرس دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
- مسعود ناری قمی: استادیار دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دانشکده پسران قم
- عبدالحمید نقره کار: دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
- سید مجید هاشمی: دکترای معماری و استادیار دانشگاه ولی عصر علیه السلام رفسنجان

فهرست مطالب

کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی

- | | |
|-----|---|
| ۹ | مبانی نظری نوسازی متوازن بافت‌های فرسوده شهری
علیرضا عندلیب |
| ۴۵ | تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن
در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه
سمانه تقدیر |
| ۷۳ | راهکارهای تأمین سلامت در معماری و شهرسازی اسلامی
مهدی حمزه‌نژاد، زهرا ثروتی |
| ۹۷ | تأملی انتقادی بر رویکردهای تحقیق در معماری
و شهرسازی با استناد به آموزه‌های اسلامی
محمدمنان رئیسی |
| ۱۲۳ | بررسی تأثیر قواعد اخلاقی-فقهی
در تنظیم قانون مدنی و مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری
سیدمجید هاشمی طغراجردی |
| ۱۵۳ | روش تحقیق در تحقق شهرسازی اسلامی (برنامه‌ریزی شهری)
سیدمصطفی حسینی، علی حجازیان، محمد حسین گلکار، عبدالله صادقی |
| ۱۷۵ | مدل استراتژیک عدالت اجتماعی و فضایی در شهر آرمانی اسلام
بهزاد عمرانزاده |

۲۰۳

انسان خودشکوفای اشتداد یافته ملاصدرا و نمود آن در طراحی معماری کمال‌گرای انسانی
عاطفه ظریف فیروز عسگری، دکتر مهدی حمزه‌نژاد

۲۲۱

بررسی و تطبیق صفات نادان‌شهرهای فارابی
با شهرها و محله‌های معاصر (شهر مشهد)
وحیده فکری، مهدی حمزه‌نژاد

۲۴۳

بررسی تطبیقی در مفهوم و مبانی طراحی اشیا از منظر ایرانی-اسلامی (نمونه پژوهش:
ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی)
پردیس بهمنی

۲۷۱

شاخصه‌سازی کیفیت مسکن ارزان‌قیمت با نگرش اسلامی
پریسا محمدصادقی، مهدی حمزه‌نژاد

۳۰۳

نقشه راه شهرسازی اسلامی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی
علی حجازیان، سیدمصطفی حسنی، محمدحسین گلکار

۳۱۹

تحلیل نحوه تغییر سرفصل دروس کارشناسی ارشد
برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جهت اسلامی شدن
محمدصالح شکوهی بیدهندی

۳۳۵

ارزیابی راهبردهای تولید دانش اسلامی، با تأکید بر مطالعات شهرسازی
احسان شریفیان، محمد سیدغراب

۳۶۹

واکاوی عدم تطبیق سبک زندگی با مصوبات معماری و
شهرسازی با تأکید بر سطح اشغال و اقلیم
سارا بهمنی کازرونی، امیرحسین جمشیدی، علیرضا حیدری

مدل استراتژیک عدالت اجتماعی و فضایی در شهر آرمانی اسلام

بهزاد عمرانزاده

دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، ایران، تهران.

omranzadeh@ut.ac.ir

چکیده

شهر اسلامی مفهومی است که با توجه به شرایط فعلی کشور و دغدغه‌های ایجادشده در زمینه نظریه‌پردازی در زمینه الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت در راستای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، با داشتن ظرفیت بین‌رشته‌ای بودن و عینی بودن، می‌تواند محور اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی متخصصان علوم اجتماعی و انسانی قرار گیرد. در مقاله حاضر تلاش شده تا با یک روش علمی جدید و با بهره‌مندی از منابع اسلامی موجود و در راستای تدوین مبانی نظری شهر اسلامی به عنوان عینیت الگو و تمدن اسلامی، در زمینه یکی از ابعاد این شهر که از اصلی‌ترین و مهم‌ترین چالش‌های شهرهای معاصر نیز می‌باشد، یعنی عدالت اجتماعی و فضایی، به تولید مبانی و نظریه اقدام گردد. عدالت یکی از کلان‌مفاهیمی است که تقریباً در تمامی حوزه‌های معرفتی و کل سطوح حیات بشری (فردی، اجتماعی، مادی، معنوی و...) و در تمامی دوران‌ها مطرح بوده است و اندیشمندان مکاتب مختلف، نظریات متعددی با رویکردهای متنوع درباره آن ارائه کرده‌اند. بر همین اساس و با نظر به اهداف عالیه نظام جمهوری اسلامی

ایران در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی، مقاله حاضر بخشی از تلاش علمی است برای دستیابی به یک نظریه بومی مکتبی درباره مفهوم عدالت و اندیشه‌ورزی در محیط آن.

کلیدواژگان: شهر اسلامی، عدالت فضایی، اصول، راهبرد، راهکار، مدل مفهومی.

مقدمه

امروزه کمتر اندیشمند و پژوهشگر دغدغه‌مندی پیدا می‌شود که یکی از اصلی‌ترین مسیرهای تعالی جامعه در راستای دستیابی به افق تمدنی مطلوب و متناسب با بنیادها و بنیان‌های اعتقادی و فرهنگی جامعه را تحول در حوزه علوم انسانی و تولید دانش بومی نداند و از ضرورت این موضوع مهم غافل باشد. در واقع ما به علمی نیاز داریم که توان تولید روش‌ها، فرایندها، ساختارها و در نهایت فناوری‌های متناسب با آرمان‌ها، ارزش‌ها و آمال مکتب ما را که معطوف به واقعیت نظام هستی است، ایجاد کند و از دایره تکرار و حلقه محدود تقلید از اسلوب‌ها و نهج غالب فراتر رود. در این زمینه و برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، موضوع و مسئله شهر و بالتبع علوم مرتبط با آن از قبیل برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و معماری، جامعه‌شناسی شهری، مدیریت شهری و...، از دو وجه اهمیت فراوان دارند: نخست، وجهی است همانند دیگر علوم و نقشی که در تولید علم بومی و اسلامی در حوزه موضوعی خود دارند؛ اما دومین وجه، به جایگاه شهر در شکلگیری تمدن‌ها و نقش آن در عینیت مظاهر تمدنی ارتباط دارد؛ به گونه‌ای که امروزه شناخت ما از تمدن‌های بنام گذشته، بیشتر از طریق آثار و مظاهر شهری برجای مانده از آنها روی می‌دهد تا عنصر دیگر تمدنی.

به رغم اهمیت فراوان موضوع شهر و کیفیت ساخت، برنامه‌ریزی و اداره آن با نگاه تمدنی، متأسفانه طی سده اخیر، مبانی و الگوهای وارداتی هستند که در غیاب مبانی نظری بومی و در تعارض با مبانی مکتبی ما (جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی) به شهرهای ما شکل می‌دهند و نمود عینی آنها در کالبد بسیاری از مراکز تجاری و مسکونی ما به‌ویژه در کلانشهرها، با شریعت و طریقت زیست مسلمانانی همخوانی چندانی ندارد.

بر همین اساس و با نظر به اهمیت موضوع شهر، «طی دو سه دهه اخیر و بر مبنای تحولات فرهنگی و سیاسی بعد از انقلاب و در اثر ظهور اندیشه‌های بنیادی بازگشت به خویشتن و فهم

حاصل شده از عواقب تسلط مظاهر و مبانی غربی در جوامع اسلامی به‌ویژه در حوزه شهر، شهرسازی و مدیریت شهری، برخی از اندیشمندان دغدغه‌مند با یک رویکرد انتقادی، بر لزوم تدوین مبانی نظری شهر اسلامی بر اساس تجارب ملی شهرسازی و با بهره‌گیری از منابع اسلامی موجود تأکید کرده‌اند» (عمران‌زاده و زیاری، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳۸). در زمینه شهر اسلامی، از حدود صد سال پیش، پژوهش‌های پرشماری به‌ویژه توسط برخی شرق‌شناسان انجام شده است که از جمله آنها می‌توان به ماسینیون (۱۹۲۰) و برادران مارسسی (۱۹۲۸ و ۱۹۳۷)، له‌تورنه (۱۹۳۵)، برونشوویگ (۱۹۴۷)، لاپیدوس (۱۹۶۷ و ۱۹۷۳)، ابولوقد (۱۹۸۷)، حکیم (۱۳۸۱) و ریموند (۲۰۰۸) اشاره کرد که با نگاه‌ها و رویکردهای مختلف و گاه متعارضی به موضوع شهر اسلامی پرداخته‌اند. البته این پژوهش‌ها آسیب‌های متعدد مطالعاتی نیز دارند (عمران‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳ الف و ب).

موضوع شهر اسلامی، موضوعی است که به رغم تلاش برخی صاحب‌نظران و اساتید و پژوهشگران رشته‌های شهرسازی، معماری و برنامه‌ریزی شهری و پیگیری‌های صورت‌گرفته توسط برخی نهادهای اجرایی مرتبط و مسئول در حوزه شهر و برنامه‌ریزی شهری، به‌ویژه طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی، همچنان با ابهامات و پرسش‌های پرشماری روبه‌روست که پاسخ‌گویی دقیق و علمی به این پرسش‌ها و رفع ابهام‌های موجود، نیازمند یک برنامه پژوهشی و علمی منسجم و همه‌جانبه است. بایسته است که اساتید و پژوهشگران صاحب‌فکر و نظر، با همکاری نهادهای اجرایی و علمی مرتبط به صورت عمیق و بنیادی این برنامه را پیگیری کنند.

از واپسین تلاش‌های صورت‌گرفته در زمینه تدوین مبانی نظری شهر اسلامی در داخل کشور طی سال‌های اخیر، می‌توان به ارائه فرانظریه «سلام» توسط نقره‌کار (۱۳۹۵)، تلاش برای تدوین شاخص‌های شهر آرمانی اسلام توسط پورجعفر و همکاران (۱۳۹۴) و پژوهش شناخت شهر آرمانی اسلام و ویژگی‌های اصلی و اصیل آن با مراجعه به قرآن کریم توسط نقی‌زاده (۱۳۹۴) اشاره کرد.

در راستای تلاش‌های علمی پیش‌گفته در زمینه تدوین مبانی نظری ساخت، مدیریت و برنامه‌ریزی شهر اسلامی، نگارنده در این مقاله به ارائه نتیجه پژوهش دوساله خود درباره یکی از اصلی‌ترین کلان‌شاخص‌های شهر اسلامی و جامعه اسلامی، یعنی عدالت اجتماعی و عدالت فضایی از منابع اسلامی بر پایه یک روش علمی، مبادرت ورزیده است که می‌توان از آن به عنوان

مدل استراتژیک عدالت اجتماعی و فضایی در شهر آرمانی اسلام در قالب «نظریه عدالت فضایی اسلام» یا «نظریه عدالت فضایی در شهر آرمانی اسلام» یاد کرد.

۱. ادبیات نظری پژوهش

در عصر کنونی، بسیاری از فیلسوفان علم بر این امر تأکید می‌ورزند که هر جامعه‌ای نیازمند به مجموعه دانشی است که متناسب با حافظه تاریخی و فرهنگی و به‌طور کلی سازگار با محیط زندگی آن جامعه باشد. براین اساس جهان‌شمول بودن بسیاری از نظریات، نه تنها در حوزه علم الاجتماع و علوم انسانی، بلکه در حوزه علوم فیزیکی و مادی در معرض تردید قرار گرفته است. در این میان، کشورهای اسلامی با داشتن فلسفه زندگی خاص و فرهنگ متفاوت با دیگر کشورها، به نظریات ویژه خود نیاز دارند (دانایی فرد و مؤمنی، ۱۳۸۷، ص ۷۸). واقعیت این است که در زمینه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، چنین مبانی و دانشی که متناسب با داشته‌های تاریخی، فرهنگی و محیط بومی کشور باشد، کمیاب است. به همین دلیل و در چنین فقدان، اندیشه‌های وارداتی هستند که طی دهه‌ها و سده اخیر شهرها و سکونتگاه‌های ما را شکل می‌دهند و در نتیجه انواع مسائل، مشکلات و چالش‌های شهرهای ما به صورت لاینحل پابرجا مانده‌اند.

با توجه به بررسی‌ها و پژوهش‌های متعدد صورت گرفته از قبیل مرصوصی (۱۳۸۲)، خاکپور (۱۳۸۵)، بهروان (۱۳۸۵)، جوان و عبداللهی (۱۳۸۷)، داداش‌پور و رستمی (۱۳۹۰)، ضرابی و موسوی (۱۳۸۹)، رهنما و ذبیحی (۱۳۹۰)، وارثی و همکاران (۱۳۸۶)، کامران و همکاران (۱۳۸۹)، یکی از مسائل و مشکلات اساسی موجود در کشور عدم تعادل در پراکنش فضایی برخوردارها در بین مناطق و نواحی مختلف شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها و بین شهرها و روستاها و مناطق مختلف است. در واقع یکی از مسائل و مشکلات موجود، نابرابری و بیعدالتی در پراکنش خدمات و تسهیلات است که از آن به فقدان عدالت فضایی تعبیر می‌گردد. این موضوع مسئله‌ای است که همه جوامع انسانی در همه کشورهای دنیا از کشورهای ظاهراً توسعه‌یافته تا کشورهای عقب‌مانده با شدت و ضعف متفاوت، با آن روبه‌رویند.

عدالت و عدالت اجتماعی، یکی از مفاهیم اصلی و ثابت در چارچوب نظری همه اندیشه‌ها، جهان‌بینی‌ها و مکاتب مختلف از ادیان آسمانی چون اسلام و مسیحیت گرفته تا مکاتبی چون سوسیالیسم و لیبرالیسم است که تعبیر، تعریف و تفسیر از آن در هر کدام از مکاتب و جهان‌بینی‌های عنوان‌شده در قالب انواع نظریه‌ها، متفاوت با دیگری است و به دنبالش، عینیت فضایی آن نیز به

اشکال و قالب‌های مختلفی ظهور و بروز یافته است. در جدول شماره ۱، به برخی از مهم‌ترین نظرات متفکران اسلامی و غیراسلامی درباره موضوع عدالت اشاره شده است.

جدول شماره ۱. خلاصه نظریات متفکران مختلف درباره عدالت (منبع: عمران‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۳۵-۵۱)

ردیف	نظریه پرداز	برداشت از عدالت	توضیح
۱	افلاطون	فضیلتی است که صفات دیگر را به وجود آورده و مادامی که با آنها توأم باشد وسیله ابقا و محافظت آنهاست.	عدل عبارت است از تربیت سلسله‌مراتب اجزای نفس به نحوی که به حکم طبیعتشان بعضی تابع بعضی دیگر شوند.
۲	ارسطو	عدالت همان حد وسط بین افراط و تفریط است.	عدالت یعنی رفتار برابر با افراد برابر و رفتار نابرابر با افراد نابرابر تا جایی که به وجوه نابرابر آنها مربوط می‌شود.
۳	هابز	عدالت همان حفظ و رعایت قرارها و قراردادهای اجتماعی است.	در وضع طبیعی که در آن دولتی نیست قانون، اخلاق، عدالت و انصاف معنایی ندارد. همه این مفاهیم به واسطه تشکیل دولت معنا می‌یابند یا به وجود می‌آیند.
۴	هیوم	عدالت امری ساختگی و بر اساس قرارداد می‌باشد و نفس این قوانین هر چه باشد به علت اینکه ویژگی سودمندی آنها را همراهی می‌کند، فضیلت است و تمایل به اطاعت از آنها نیز فضیلت است.	هیچ انگیزه درونی‌ای ما را به عدالت و احترام به مالکیت دیگران و عدم سلب دارایی آنها دعوت نمی‌کند.
۵	رالز	در وضعیت اولیه که شرایط افراد نهایت اهمیت را دارد، اگر آزادی و برابری و انتخاب آگاهانه و غیراجباری را در نظر بگیریم، در نتیجه هر آنچه افراد بر آن توافق کنند عادلانه خواهد بود (نظریه عدالت انصافی).	وضعیت اولیه وضعیتی است که در آن، انسان‌ها در حالت بی‌خبری و غفلت از منافع خود به سر می‌برند.
۶	فارابی	عدالت به معنای تقسیم خیرات و خوبی‌ها میان اهل مدینه فاضله با تحکم و تحفظ بر اصل اعتدال و اجتناب از افراط و تفریط است.	نظام احسن اجتماع آن نظامی است که با نظام خلقت جهان و نظام خلقت انسان متطابق و هماهنگ باشد و عدالت نیز عبارت از همین است.
۷	ابن سینا	عدالت یعنی «اعطاء کل ذی حق حقه» و «وضع کل شیء فی موضعه».	جامعه یک‌سان و بی‌طبقه و فاقد اختلاف و تمایز، که همه افراد آن در وضعیت یک‌سان و برابر باشند، سرنوشتی جز اضمحلال و نابودی ندارد، چه همه افراد این جامعه، مرفه و توانمند و غنی و مسرور و با قدرت باشند؛ و چه همگی در حال ناتوانی و فقر و ضعف به سر برند.

ردیف	نظریه پرداز	برداشت از عدالت	توضیح
۸	خواجه نصیرالدین طوسی	عدالت کارویژه دولت و حاصل عمل به قوانین برآمده از شرع است.	سیاست جاری در مدینه فاضله از جنس امامت است و سیاست فاضله، همان سیاست امامت است.
۹	غزالی	گاهی عدالت را حد وسط بین افراط و تفریط (همانند ارسطو) و گاهی آن را تعادل بین قوای مختلف نفس می‌داند (مانند افلاطون).	-
۱۰	ملاصدرا	انسان به حکم سرشت خویش خودخواه و سلطه‌گر است، و به همین دلیل به عدالت محتاج است، و اجرای اصول عدالت اجتماعی در گرو تأسیس حکومت و قدرت سیاسی می‌باشد. این قدرت باید از طرف شرع معین گردد.	به‌ناچار باید فردی به نام واضع شریعت در میان افراد بشر باشد تا قوانین را بدان‌گونه که در کتب فقه بیان شده است به آنان تعلیم دهد.
۱۱	علامه طباطبائی	انسان با هدایت طبیعت و تکوین، پیوسته از همه، سود خود را می‌خواهد (اعتبار استخدام) و برای سود خود، سود همه را می‌خواهد (اعتبار اجتماع) و برای سود همه، عدل اجتماعی را می‌خواهد (اعتبار حسن عدالت و قبح ظلم).	-
۱۲	شهید مطهری	عدالت به سه معنای موزون و متعادل بودن، مساوات و نفی هر گونه تبعیض و رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی‌حق به اوست.	افرادی که از لحاظ خلقت در شرایط مساوی هستند، قانون باید با آنها به مساوات رفتار کند، اما افرادی که خود در شرایط مساوی نیستند، قانون هم نباید با آنها به طور مساوی رفتار کند. حقوق طبیعی فردی، به علت اختلاف استحقاق‌ها مختلف‌اند، ولی حقوق طبیعی اجتماعی بشر، مساوی و مشابه هستند.

در زمینه تولید علم بومی و نظریه‌پردازی در حوزه‌های تخصصی، علاوه بر روش‌شناسی تحقیق، انتخاب نوع رویکرد به حل مسئله در سطوح مختلف، اهمیت فراوان دارد: «مفهوم رویکرد به مثابه طریقی برای نزدیک شدن به مسئله و رهیافتی برای شکار نظریه به‌کار می‌رود؛ درحالی‌که از روش به عنوان ابزاری برای نقد و ارزیابی فرضیه به دست آمده، استفاده می‌کنیم» (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۷-۲۲۸). با توجه به اهمیت تعیین و گزینش رویکرد مناسب در تحقیق حاضر، انجام این کار مهم در سه زمینه رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی، رویکردهای تدوین مبانی

نظری شهر اسلامی و رویکردهای تولید علم دینی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. براین اساس از میان رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی،^۱ رویکرد ساختارشکنانه (یا نقادانه)، از بین رویکردهای تدوین مبانی نظری شهر اسلامی^۲ رویکرد بینابینی، و از میان رویکردهای تولید علم دینی^۳ رویکرد تأسیسی مد نظر بوده است.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس رویکرد تحقیق کیفی و با بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌محور^۴ انجام گرفته است. «در نظریه‌پردازی داده‌محور بر خلاف فرایند تحقیق خطی و نشئت‌گرفته از نظریه، به جای فرضیات نظری، به داده‌ها و میدان تحقیق اولویت داده می‌شود. در اینجا فرض بر این است که محقق باید دانش نظری پیشینی را که با خود به میدان می‌آورد دست‌کم موقتاً کنار بگذارد» (فلیک، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸).

نظریه داده‌محور یا نظریه مبنايي نظریه‌ای است که به صورت نظام‌مند^۵ و با رویکرد استقرایی^۶ (از جزء به کل) از مطالعه یک پدیده خاص به دست می‌آید و نمایانگر آن پدیده است. در بسیاری از روش‌ها محقق از یک فرضیه آغاز می‌کند و مسیری ویژه را برای اثبات آن فرضیه می‌پیماید؛ اما در روش نظریه مبنايي در یک فرایند رفت و برگشتی متقابل بین گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها، نظریه، کشف و استخراج می‌شود (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰، ص ۲۲-۲۳). در واقع نظریه داده‌بنیاد عبارت است از فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده، به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند (منصوریان، ۱۳۸۶، ص ۵).

فرایند تحلیل طراحی شده برای بهره‌گیری از روش گراند تئوری و انواع تکنیک‌های مورد استفاده در مراحل مختلف آن به شرح شکل شماره یک می‌باشد.

۱. برای اطلاع از «انواع رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی»، ر.ک: عمران‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴.

۲. برای اطلاع از «انواع رویکردهای تدوین مبانی نظری شهر اسلامی»، ر.ک: شکرانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۲-۲۴۴.

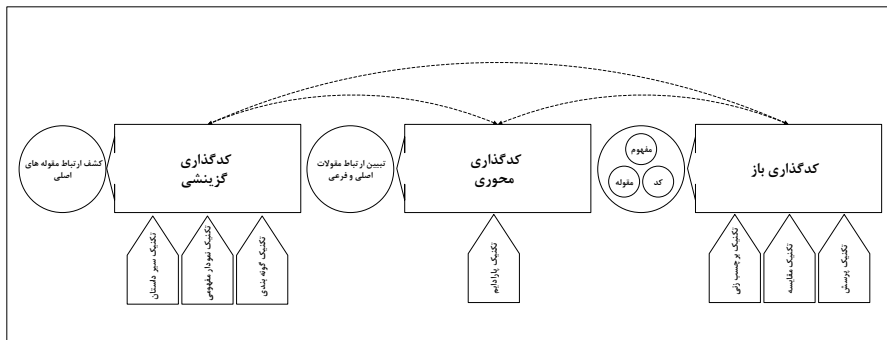
۳. جهت اطلاع از «انواع رویکردهای تولید علم دینی»، ر.ک: باقری، ۱۳۸۲، ص ۲۵۰.

4. Grounded Theory

5. Systematic

6. Induction

شکل ۱. فرایند تحلیل در روش نظریه‌پردازی داده‌محور



با نظر به روش‌شناسی کیفی انتخاب‌شده، روش نمونه‌گیری انتخاب‌شده برای فاز اکتشافی پژوهش، نمونه‌گیری نظری به شیوه هدفمند است. در این روش، گردآوری داده‌ها تنها زمانی به پایان می‌رسد که با سطحی از اشباع نظری روبه‌رو شویم. براین اساس با نظر به بهره‌مندی از منابع اسلامی، داده‌ها و اطلاعات لازم از کتاب شریف نهج‌البلاغه و کتاب حدیث غررالحکم و دررالکلم که شامل مجموعه بیانات و مکاتبات حضرت علی علیه السلام هستند، با استفاده از هر دو روش لغت‌کاوی و معناکاوی استخراج شده‌اند. گردآوری داده‌های تحقیق در این مرحله به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از روش کدگذاری باز نظریه‌داده‌بنیاد و در مواردی با الهام از روش تحلیل اسنادی و به طور پیوسته و مداوم در اثنای تحقیق و هم‌زمان با تحلیل انجام گرفته است. تحقیق حاضر از نظر هدف جزو تحقیقات بنیادی است؛ ابزارش غیرآزمایشی است، و از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیلی انجام شده است. همچنین از آنجاکه «مدل‌ها منعکس‌کننده واقعیت هستند و جنبه‌های معینی از دنیای واقعی را که با مسئله تحت بررسی ارتباط دارند مجسم می‌سازند» (خاکی، ۱۳۷۸، ص ۸۵)، در پژوهش حاضر برای عینیت‌بخشی و توصیف خروجی‌ها و نتایج اکتشافی پژوهش از استخدام مدل‌های مفهومی و نظری بهره‌برداری شده است.

۳. یافته‌های تحقیق

بر پایه مقدمه تحقیق، اهداف اصلی پژوهش حاضر «دستیابی به مدل راهبردی عدالت اجتماعی و فضایی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی در راستای تدوین بخشی از مبانی نظری شهر اسلامی» است. با توجه به این هدف و روش به‌کارگرفته‌شده در پژوهش حاضر، نتایج درخور توجهی به دست آمد

که در ادامه به تشریح آنها می‌پردازیم.

با توجه به بهره‌گیری از روش گراند تئوری، در جدول شماره ۱، آمار کمی بررسی و تحلیل نمونه‌های انتخاب‌شده از نظر تعداد بخش‌ها، کدها، مفاهیم استخراجی و مفاهیم تقویت‌شده گزارش شده است.

جدول شماره ۲. آمار کمی بررسی نمونه‌های پژوهش

ردیف	عنوان نمونه	حجم منبع	بخش	کد	مفهوم جدید	مفهوم تقویت‌شده
۱	نامه ۵۳ نهج البلاغه	یک نامه	۴۹	۷۳	۶۵	-
۲	غررالحکم و دررالكلم	۱۱۰۵۰ حدیث	۵۶	۵۷	۱۸	۱۱
۳	خطبه‌های نهج البلاغه	۲۴۱ خطبه	۳۲	۳۷	۶	۱۸
۴	نامه‌های نهج البلاغه	۷۹ نامه	۱۱	۱۳	۶	۴
۵	حکمت‌های نهج البلاغه	۴۸۰ حکمت	۱۲	۱۵	۳	۹
۶	جمع	-	۱۶۰	۱۹۵	۹۸	۴۲

با توجه به بررسی و تحلیل نمونه‌های انتخاب‌شده و کدها و مفاهیم به‌دست آمده، و بر اساس فرایند روش شناسی نظریه‌پردازی داده بنیاد، با استفاده از تکنیک مقایسه و سؤال و بررسی ابعاد و ویژگی‌های کدها و مفاهیم حاصله و بررسی ارتباطات آنها، مفاهیم در قالب مفاهیم اصلی و مقوله‌ها مجدداً در سطح انتزاعی تری طبقه‌بندی شدند. این کار که نیازمند تفکر انتزاعی و قدرت تحلیل لازم است، برای دستیابی به الگوی نظری مورد نظر تحقیق ضروری است. گفتنی است که با نظر به تعداد کدها و مفاهیم به‌دست آمده، و بر اساس رابطه^۱ زیر، جدول مفاهیم و مقولات نهایی حاصل دست‌کم حدود بیست هزار مقایسه زوجی کدها و مفاهیم می‌باشد.

۱. معمولاً از رابطه $p = \frac{n(n-1)}{2}$ برای تعیین حجم مقایسه‌های زوجی استفاده می‌شود؛ اما در این پژوهش علاوه بر مقایسه زوجی کدها با یکدیگر، کدهای حاصل از هر مرحله با فراوانی تجمعی مفاهیم حاصل از مراحل قبل نیز مقایسه شده است. از سوی دیگر، معمولاً در مقایسه‌های زوجی معمول به عنوان نمونه وقتی کد a با کد b مقایسه می‌شود، مجدداً کد b با کد a مقایسه نمی‌گردد؛ ولی در پژوهش حاضر با نظر به ماهیت روش انتخابی مقایسه‌های مجدد نیز صورت گرفته است. بر همین اساس از رابطه عنوان‌شده برای نشان دادن حجم مقایسات بهره گرفته شده است. عبارت‌های رابطه عنوان‌شده به شرح ذیل اند: P: تعداد مقایسه‌های زوجی؛ n_پ: تعداد کدها در هر مرحله؛ n_پ: فراوانی تجمعی مفاهیم مرحله قبل.

$$p = \sum_{i=1}^n n_{ci}(n_{ci} - 1) + (n_{ci} * n_{ct})$$

گفتنی است که این پژوهش، پژوهش کلانی بوده است که در راستای دستیابی به نظریه اسلامی عدالت اجتماعی و فضایی به انجام رسیده است و در این راستا، مقولات پرشماری در ابعاد مختلف نظریه عدالت اجتماعی و فضایی اسلامی حاصل شده که با نظر به عنوان مقاله و بر مبنای مقوله‌های اصول، راهبردها و راهکارها و با صرف نظر از دیگر مقولات استخراجی، به تبیین مدل استراتژیک عدالت فضایی پرداخته می‌شود.

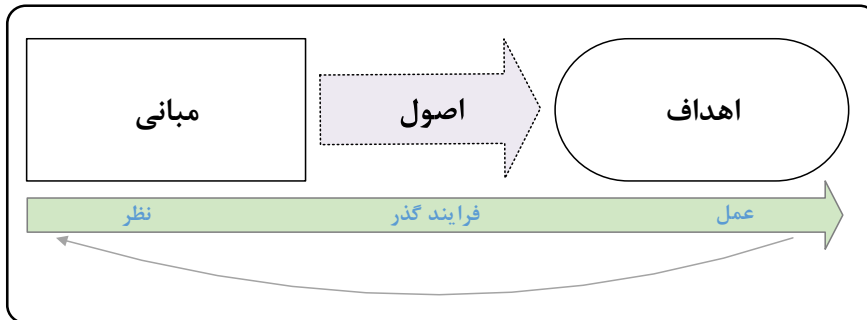
۱-۳. اصول عدالت اجتماعی و فضایی

«اصل، معادل کلمه انگلیسی Principle و در لغت به معنای ریشه، اساس و مبدأ است و در اصطلاح، در علوم مختلف به معانی گوناگونی به کار رفته است. از جمله:

- تکیه‌گاه بنیادی درون یک ساخت؛
- قوانین حاکم بر پویایی و تحول یک ساخت؛
- هر خرده‌ساختی که ساخت‌های دیگر از آن ناشی شوند؛
- ریشه یا سرچشمه یک شیء یا ساخت؛
- بایدها و نبایدها به مثابه راهنمای عمل برای رسیدن از مبانی به اهداف؛
- راهنمای عمل در محدوده‌ای که مبانی، آن را تحمیل می‌کند» (اصغری، ۱۳۸۶، ص ۴-۱۴).

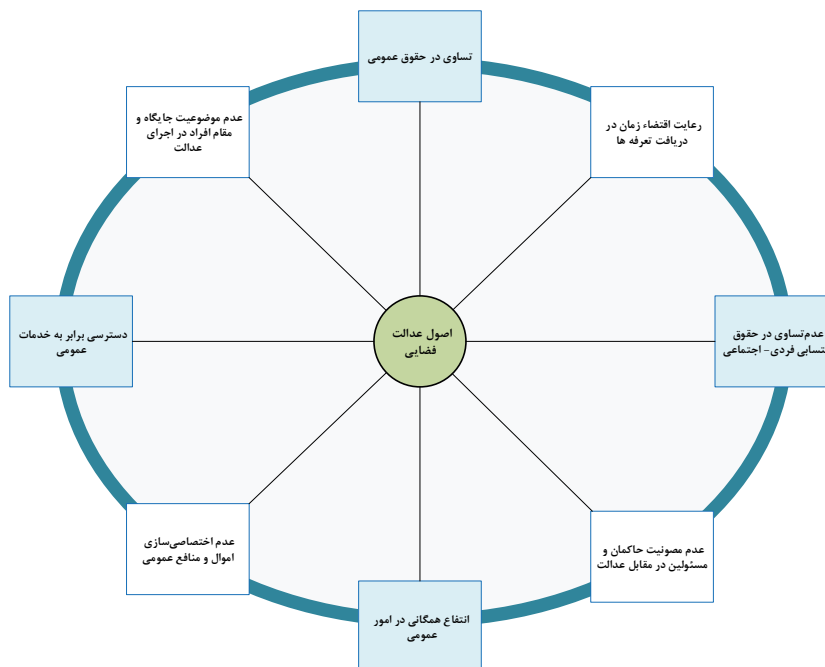
با نظر به تعابیر یادشده می‌توان عنوان کرد که اصول از جنس «بایدها و نبایدها» و منبعث از هست‌ها و مبانی‌اند که به عنوان جزء اصلی نظریات کاربردی، نقش راهنمای عمل در گذر از مبانی به تحقق اهداف را ایفا می‌کنند. در واقع، یک اندیشه و ارزش برخاسته از مبادی حقیقت، زمانی می‌تواند در ساحت عمل و اجرا کاربست یابد که بتوان آن را در قالب اصول معین انتزاع کرد و آن را محور پایدار و راهنمای لاقیداً اقدامات با نظر به تحقق هدف قرار داد. مدل زیر به تبیین رابطه بین مبانی، اصول و اهداف می‌پردازد.

شکل شماره ۱. نقش اصول در فرایند گذر از بنیادهای نظری به اجرا



با توجه به اهداف پژوهش حاضر، یکی از مقوله‌های اصلی که در فرایند به‌کارگیری نظریه داده‌بنیاد و حول مفهوم عدالت اجتماعی و فضایی نمود یافت، مقوله «اصول» است. متعاقب تحلیل‌های صورت‌گرفته، در نهایت تعداد هشت اصل کلی عدالت اجتماعی و فضایی در قالب مفاهیم متناسب به «بایدها و نبایدها»، از تعداد ۳۸ کد مرتبط به دست آمد که در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

شکل شماره ۲. اصول عدالت فضایی حاصل از منابع اسلامی



در ادامه به تشریح و توضیح اصول فوق می‌پردازیم.

۱-۱-۳. اصل اول: تساوی در حقوق عمومی

بر اساس کدها و مفاهیم استخراج‌شده، اصل تساوی در حقوق عمومی، به معنای رعایت مساوات در توزیع تمامی اعانات، برخورداری‌ها و منابع، بین تمامی شهروندان است. مبنای این اصل حق طبیعی اجتماعی افراد است. در واقع منظور از این اصل، برخورد مساوی با تمامی شهروندان در تمامی فضاها و سطوح اجتماعی است. مطابق این اصل در حقوق مربوط به عام، اعم از اموال، خدمات، منابع، فرصت‌ها و...، نباید هیچ مرجحی برای توزیع در نظر گرفته شود. برای نمونه، طبق این اصل، نهاد مدیریت و حاکمیت شهری موظف است خدمات مربوط به جمع‌آوری و دفع زباله‌های شهری را برای تمامی نقاط شهری با کیفیت و کمیت یکسان به انجام رساند.

۱-۲-۳. اصل دوم: عدم موضوعیت جایگاه و مقام افراد در اجرای عدالت

منظور از این اصل، جایگاه برابر همه شهروندان و افراد اجتماع در برابر قوانین و در زمان اجرای عدالت است. بر پایه این اصل جایگاه و مقام افراد در مقابل قانون، جایگاهی برابر است. بر همین اساس در اجرای عدالت، هم در مقام توزیع منابع و خدمات و هم در مقام تصحیح و جبران بی‌عدالتی‌ها، افراد خاص، محلات و یا مناطق خاص، هیچ ارجحیتی نسبت به دیگر افراد، محلات یا مناطق ندارند.

۱-۳-۳. اصل سوم: عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی - اجتماعی

حقوق اکتسابی تقریباً در نقطه مقابل حقوق عمومی قرار دارند. به تمامی حقوق و یا امتیازاتی که به واسطه انجام فعلی خاص، دستیابی به جایگاهی مشخص و یا اکتساب شرایطی ویژه نصیب افراد می‌شوند، حقوق اکتسابی می‌گویند. منظور از افراد، تمامی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی و یا افراد، شرکت‌ها، محلات، نواحی و مناطق شهری هستند که قابلیت کسب امتیاز و یا شرایط خاصی را دارند. حقوق اکتسابی، حاصل تلاش فردی یا جمعی بخشی از افراد جامعه یا ساکنان واحدهای تقسیمات درون شهری است که به موجب آن حائز شرایط دریافت خدماتی ویژه می‌شوند. برای نمونه، پارک یا بوستانی که در نتیجه آزادسازی بخشی از مساحت زمین‌های مالکان در محلات بافت‌های فرسوده تحت بازسازی ایجاد می‌گردد، جزو حقوق اکتسابی اهالی این محلات به شمار

می‌آید و یا در مقیاس فردی، اگر مساحت زمین مالکی برای احداث واحد مسکونی کم باشد، نمی‌تواند مجوز تراکم بالا برای این زمین دریافت کند. در مقابل اگر شخص دیگری دارای مساحت استاندارد باشد، این مجوز به او تعلق می‌گیرد.

در موضوع حقوق اکتسابی با افراد به صورت برابر برخورد نمی‌گردد، بلکه طبق ضوابط و قوانین مربوطه با هر شخص متناسب با داشته‌ها، آورده‌ها و یا میزان فعالیت و تلاش صورت گرفته رفتار می‌شود.

۴-۱-۳. اصل چهارم: رعایت اقتضای زمان در دریافت تعرفه‌ها

مفهوم اصلی این اصل، انعطاف در اجرای قوانین و آیین‌نامه‌ها، دریافت تعرفه‌های خدمات و عوارض شهری، و در نظر گرفتن شرایط شهروندان در زمان‌های مختلف است. برای نمونه در این زمینه می‌توان به کاهش تعرفه خدمات و یا عدم دریافت برخی عوارض از شهروندان، کسبه، صنعتگران و ... در شرایط رکود اقتصادی و یا ارائه یارانه‌های هدفمند در زمان‌های خاص اشاره کرد. بر پایه مفاهیم و کدهای مربوط به این اصل، دریافت عوارض و مالیات‌های قانونی از مردم، بدون ایجاد زمینه‌های لازم برای توسعه و رونق شهر و فعالیت‌های شهری (صنعت، خدمات و ...)، اقدام عادلانه‌ای نیست. در واقع، نهادهای مدیریتی و دولتی در ابتدا باید زمینه‌های رونق و توسعه اقتصادی را فراهم آورند و به تبع آن انتظار دریافت حقوق قانونی را از شهروندان داشته باشند. این اصل را می‌توان به عنوان یک اصل جانبی و یا به عنوان یک شرط مداخله‌ای در فرایند اجرای عدالت در نظر گرفت.

۵-۱-۳. اصل پنجم: دسترسی برابر به خدمات عمومی

اصل «دسترسی برابر به خدمات عمومی»، دقیقاً به بُعد فضایی عدالت اجتماعی و یا عدالت فضایی اشاره دارد. این اصل را می‌توان اصل اختصاصی عدالت فضایی دانست. بر پایه این اصل نوع پراکنش خدمات عمومی در سطوح مختلف شهری و سرزمینی، باید به گونه‌ای انجام شود که همه شهروندان دسترسی مناسبی به این خدمات داشته باشند. بر اساس این اصل، همه نقاط و محلات شهری باید به طور یکسان تحت پوشش خدمات عمومی قرار گیرند. در واقع هیچ محله یا نقطه‌ای از شهر نباید به دلیل فاصله از مرکز خدمات، و یا تمرکز خدمات در نقطه‌ای خاص، از بهره‌مندی از خدمات محروم گردد. در اصل، اگر خدمات مربوطه جزو حقوق عمومی شهروندان

باشد، بُعد مسافت نباید تأثیر منفی در دریافت خدمات توسط برخی شهروندان ایجاد کند. این اصل را به نوعی می‌توان ذیل اصل اول تعریف کرد که بر روی وجه فضایی برابری و عدالت تأکید می‌کند.

۶-۱-۳. اصل ششم: عدم اختصاصی‌سازی اموال و منافع عمومی

منظور از اختصاصی‌سازی در این اصل، تخصیص و یا خصوصی کردن منابع عمومی است. بر پایه این اصل، اختصاص اموال، منابع، منافع و یا خدماتی که متعلق به عموم شهروندان است، به نفع فرد یا طبقه و گروه خاص، و یا متمرکز کردن آنها در محله یا محدوده‌ای مشخص که مانع از دستیابی دیگر شهروندان بدانها گردد، ممنوع و مخالف عدالت است. این اصل نیز به نوعی به بعد فضایی عدالت و عدم تمرکز و تجمع منابع از نظر جغرافیایی و غیر جغرافیایی اشاره دارد. عدم تنظیم و تصویب آن دسته از قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی که منابع را به سمت افراد، مجموعه‌ها و یا محدوده‌های خاصی هدایت می‌کنند، نیز در دایره شمول این اصل قرار دارد.

۷-۱-۳. اصل هفتم: انتفاع همگانی در امور عمومی

اصل انتفاع همگانی به بُعد دیگری از عدالت اشاره می‌کند که در کنار توزیع و دسترسی برابر، رعایت آن لازمه پیاده‌سازی صحیح عدالت است. در واقع این امکان هست که در توزیع یک خدمت عمومی توسط نهاد مدیریت شهری، اصل برابری توزیع و دسترسی برابر رعایت شده باشد، ولی همه شهروندان امکان انتفاع از آن را نداشته باشند. برای نمونه اگر سیستم اتوبوسرانی و ایستگاه‌های آن با کمیت و کیفیت برابر در دسترس ساکنان تمامی محلات شهری قرار گیرد، ولی گروهی از افراد اجتماع همچون معلولان و یا سالمندان به دلیل عدم مناسب‌سازی سیستم، نتوانند از آن استفاده کنند، در این حالت، به رغم رعایت اصل توزیع و دسترسی برابر، اصل انتفاع همگانی در خدمات عمومی رعایت نشده است. بر اساس منابع بررسی شده، در میان ارزش‌ها و خصلت‌های متناسب با اجتماعات انسانی، عدالت نافع‌ترین خصلت و ارزش به شمار می‌آید. بر همین مبنا، انتفاع همگانی جزو اصول اساسی عدالت و به‌ویژه عدالت فضایی به شمار می‌رود.

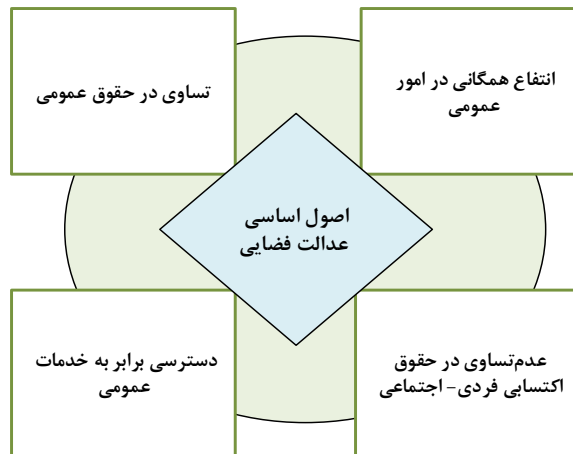
۸-۱-۳. اصل هشتم: عدم مصونیت حاکمان و مسئولان در برابر عدالت

این اصل به نوعی تخصیص موضوع اصل دوم درباره مسئولان حکومتی و دولتی جامعه است.

بر اساس اصل برابری جایگاه‌ها در برابر قانون و مطابق این اصل، نه تنها هیچ مصونیتی برای مسئولان حکومتی در مقابل احکام جبرانی، کیفری و تصحیحی عدالت وجود ندارد، بلکه به دلیل تأثیرگذاری بالای ایشان در مقیاس اجتماع و کشور، احکام و مجازات‌ها، شدت بیشتری خواهند داشت.

یکی از موارد اساسی که درباره اصول عدالت فضایی قابل بیان است، یک پارچگی این اصول و لزوم پیوستگی آنها در مقام عمل و اقدام است؛ چه اینکه هر کدام از این اصول مغفول واقع گردد، دستیابی به اهداف عادلانه، ناممکن خواهد شد و یا به صورت ناقص انجام خواهد گرفت. بر اساس توضیحات ارائه شده درباره اصول عدالت فضایی و بررسی ابعاد و روابط آنها، می‌توان اصول یادشده را به اصول اساسی و اصول فرعی تقسیم کرد. اصول اساسی که محور عدالت فضایی‌اند و مابقی اصول، به نوعی از آنها مشتق شده‌اند، عبارت‌اند از: تساوی در حقوق عمومی (برابری توزیع)، عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی - اجتماعی، دسترسی برابر به خدمات عمومی، انتفاع همگانی در امور عمومی (شکل شماره ۳).

شکل شماره ۳. اصول اساسی عدالت فضایی

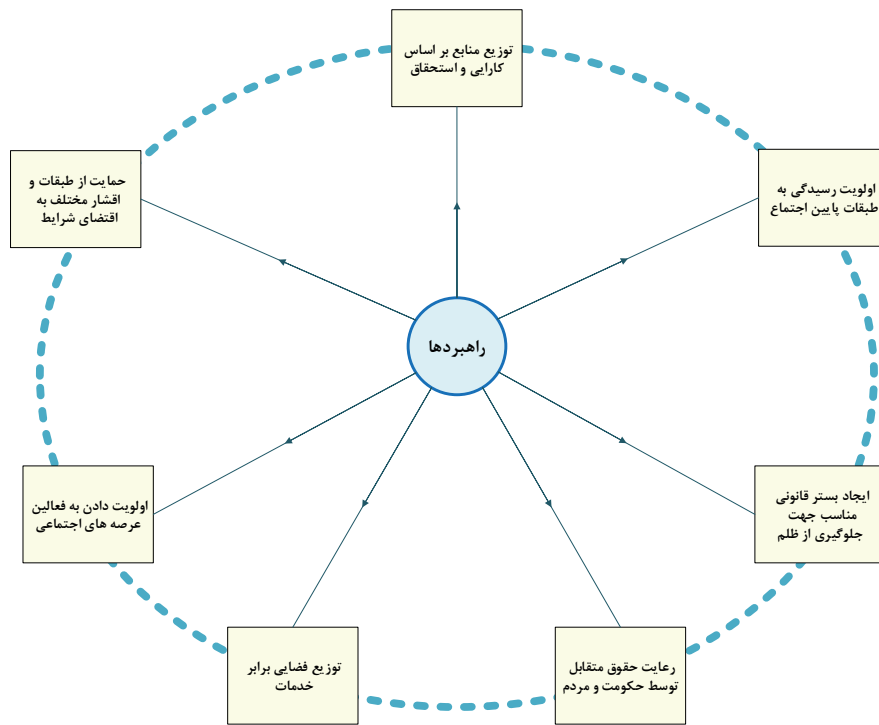


۲-۳. مقوله راهبردهای عدالت اجتماعی و فضایی

یکی دیگر از مقولات اساسی که در نتیجه تحلیل و بررسی منابع و داده‌ها و طی فرایند کدگذاری به دست آمده، مقوله راهبردهای عدالت اجتماعی و فضایی است. براساس ادبیات مدیریت راهبردی،

سیاست‌های کلان یا راهبردها عبارت‌اند از روش‌های اصلی و کلان جهت دستیابی به اهداف و انجام مأموریت‌ها. در واقع سیاست‌های کلان یا راهبردها، روش‌های اصلی و مادر برای نیل به موفقیت در هر مأموریت است. راهبردها، راهکارها و روش‌ها به طور کلی درباره «چگونگی» و «شیوه» دست یافتن به موفقیت در مأموریت است. برای موفق شدن در هر مأموریت، یک یا چند سیاست کلان اتخاذ می‌شود که امور اجرایی بر اساس آنها سامان می‌یابند (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳).

شکل شماره ۴. مفاهیم اصلی مقوله «راهبردها»



با نظر به شکل شماره ۴، در ادامه به بررسی مفاهیم اصلی مرتبط با راهبردهای عدالت اجتماعی و فضایی در شهر اسلامی و تبیین ارتباط آنها با دیگر مقوله‌ها و مفاهیم اصلی، از جمله «اصول عدالت فضایی» (که مبنای راهبردها و سیاست‌های کلان‌اند) می‌پردازیم.

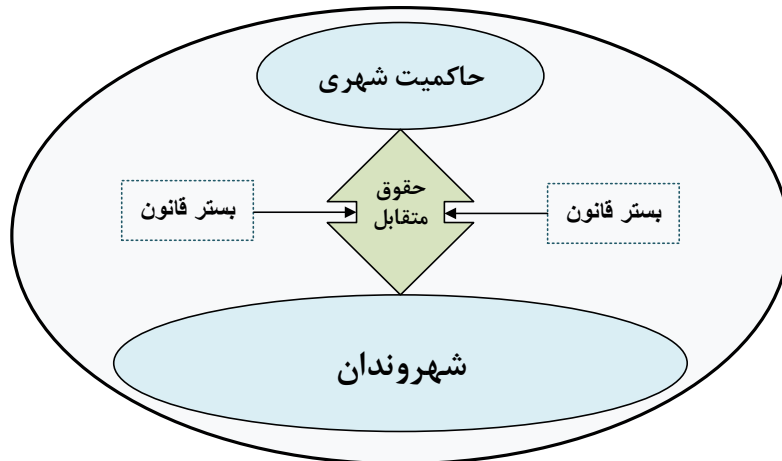
۱-۲-۳. راهبرد اول: ایجاد بستر قانونی مناسب برای جلوگیری از ظلم

ظلم ضد عدالت و در واقع به معنای نبود عدالت است. بدیهی است که تنها مسیر پیاده‌سازی اصول عدالت در شهر و جامعه، و مبنای اقدامات آن، مسیر قانون است؛ چه اینکه در صورت فقدان قوانین موضوعه مرتبط، اقدامات عدالت‌محورانه با تفسیر به رأی و مصلحت‌اندیشی‌های ناعادلانه، از فرایند اصلی خود منحرف می‌شود و چه بسا موجبات تشدید بی‌عدالتی‌های اجتماعی و فضایی را فراهم آورد. بر همین اساس، یکی از اصلی‌ترین راهبردهای مربوط به تحقق عدالت فضایی و دستیابی به اهداف آن، ایجاد بستر قانونی آن و تدوین قوانین موضوعه عرصه‌های مختلف شهری است. پرواضح است که منظور از «بستر قانونی مناسب»، قوانین عادلانه‌یاریگر فرایندها و اقدامات عادلانه است؛ وگرنه خود قانون نیز می‌تواند زمینه‌ساز بی‌عدالتی و ایجاد بستر مناسب برای رویش اقدامات ظالمانه باشد.

۲-۲-۳. راهبرد دوم: رعایت حقوق متقابل توسط حکومت و مردم

در جامعه و شهر اسلامی سعادت شهروندان ذیل قوانین و احکام اسلامی، هدف و غایت اصلی است. تشکیل حکومت اسلامی نیز با محوریت همین هدف معنا و مفهوم می‌یابد. بر همین اساس، شهروندان، محور و موضوع اصلی سیاست‌های عدالت اجتماعی و فضایی، و حکومت نیز معجری اصلی این سیاست‌ها و مهم‌ترین نهاد تأثیرگذار در فرایند پیاده‌سازی عدالت به شمار می‌آیند. با این اوصاف، رابطه متقابل شهروندان و نهاد حاکمیت شهری، یکی از ضرورت‌های قوام شهر اسلامی است که جز از طریق حقوق متقابل مشخص امکان‌پذیری صحیحی نمی‌یابد. بنابراین رابطه متقابل شهروندان و نهاد حاکمیت شهری در بستر قانون، حقوق متقابلی را شکل می‌دهد که رعایت آن از سوی شهروندان و حاکمیت، به عنوان یکی از راهبردهای اصلی، لازمه پیاده‌سازی اصول عدالت فضایی در اجتماع و شهر است (شکل شماره ۵).

شکل شماره ۵. عناصر اصلی جامعه اسلامی و روابط متقابل آنها



۳-۲-۳. راهبرد سوم: توزیع فضایی برابر خدمات

«توزیع فضایی برابر خدمات» یکی از راهبردهای اساسی در راستای تحقق عدالت فضایی در حوزه حقوق عمومی است. مبنای این راهبرد، اصل «تساوی در حقوق عمومی» است.

۳-۲-۴. راهبرد چهارم: اولویت دادن به فعالان عرصه‌های مختلف اجتماع

مطابق تحلیل‌ها و بررسی‌های صورت‌گرفته، اساس شکل‌گیری و پایداری اجتماعات انسانی، رفع نیازهای مختلف ساکنان اجتماع در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... و ارائه و دریافت خدمات در این عرصه‌هاست. براین اساس بدیهی است که فعالان این عرصه‌ها که موجبات پایداری اجتماع و رفع نیازمندی‌های شهروندان را فراهم می‌کنند، مورد توجه ویژه در تخصیص حقوق اکتسابی قرار گیرند. این امر از سویی موجب تشویق فعالان و از سوی دیگر موجب ترغیب دیگر افراد اجتماع به فعالیت‌های یادشده می‌شود. با نظر به اصول استخراج‌شده، مبنای این راهبرد، اصل «عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی-اجتماعی» است. بر پایه این اصل، «فعالیت» به عنوان معیاری برای ترجیحات حقوق اکتسابی، موضوعیت می‌یابد.

۳-۲-۵. راهبرد پنجم: حمایت از طبقات و اقشار مختلف به اقتضای شرایط

مبنای این اصل و راهبرد دو اصل «عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی-اجتماعی» و «رعایت

اقتضای زمان در دریافت تعرفه‌ها» است. بر پایه این راهبرد، حمایت و یا عدم حمایت از افراد یا اقشار مختلف، باید متناسب با معیارهای عدالت فضایی و در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی مختلف صورت گیرد.

۶-۲-۳. راهبرد ششم: اولویت رسیدگی به طبقات پایین اجتماع

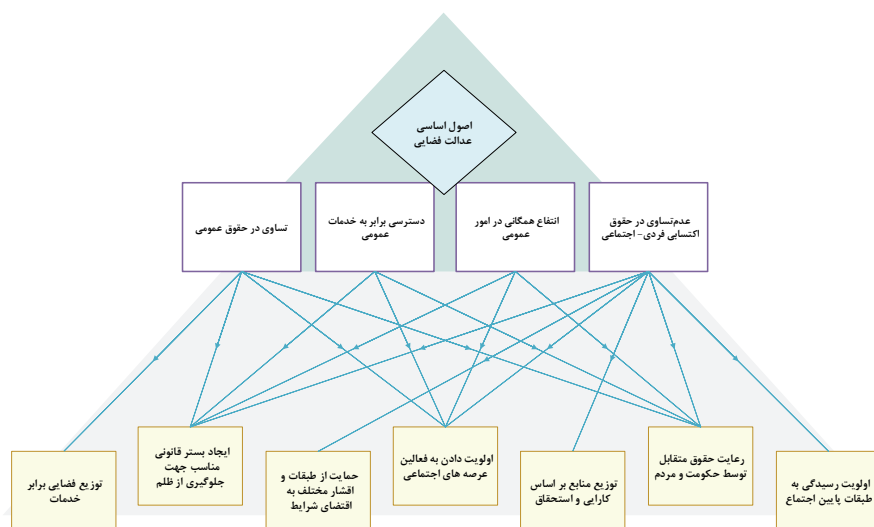
طبقات پایین اجتماع و یا نیازمندان جامعه، افرادی هستند که طی فرایندهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی صورت گرفته در جامعه و یا به تعبیر دیگر به دلایل طبیعی و انسانی مختلف و بی‌عدالتی‌های ناشی از آنها، نتوانسته‌اند انتفاع لازم را از حقوق عمومی خود ببرند و معمولاً دسترسی کافی به خدمات عمومی و یا توان بهره‌برداری از آنها را ندارند. بر همین اساس، مطابق منابع دینی بررسی شده و کدهای تحلیل شده، توجه ویژه به این طبقات و اولویت قائل شدن برای آنها در برنامه‌های عدالت‌محورانه، یکی از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین راهبردهای مورد تأکید است. مبنای این راهبرد، اصول چهارگانه «تساوی در حقوق عمومی»، «انتفاع همگانی در امور عمومی»، «دسترسی برابر به خدمات عمومی» و «عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی-اجتماعی» است. در سایه این اصول و راهبرد یادشده، به نظر می‌رسد از منظر منابع دین اسلام و اصول عدالت فضایی اسلامی، مأموریت ویژه نهادهای حکومتی مسئول درباره توزیع‌های عمومی، پرداختن به مسائل طبقات پایین اجتماع و رفع نیازمندی‌های ضروری نیازمندان است.

۷-۲-۳. راهبرد هفتم: توزیع منابع بر اساس کارایی و استحقاق

همان‌گونه که در بخش اصول عدالت فضایی بیان شد، برخلاف حقوق عمومی که طی آن منابع به صورت یک‌سان بین همه توزیع می‌شوند، در حقوق اکتسابی مبنای عدم تساوی و برابری در دریافت‌ها و توزیع‌هاست. البته بدیهی است که در توزیع منابع بر اساس حقوق اکتسابی، هر مرجّحی پذیرفتنی نیست؛ بلکه این توزیع باید بر مبنای معیارهای عدالت فضایی صورت گیرد. راهبرد یادشده بر مبنای اصل «عدم تساوی در حقوق اکتسابی» بر به‌کارگیری معیارهای دقیق در توزیع منابع اشاره می‌کند.

گفتنی است که راهبردها ارتباط مستقیمی با اصول دارند و باید در چارچوب کلی اصول عدالت فضایی و هم‌راستا با آنها تنظیم شوند. شکل شماره ۶ ارتباط بین راهبردها یا سیاست‌های کلان عدالت فضایی را با اصول اساسی عدالت فضایی نشان می‌دهد.

شکل شماره ۶. بنیادهای اصولی راهبردهای عدالت فضایی

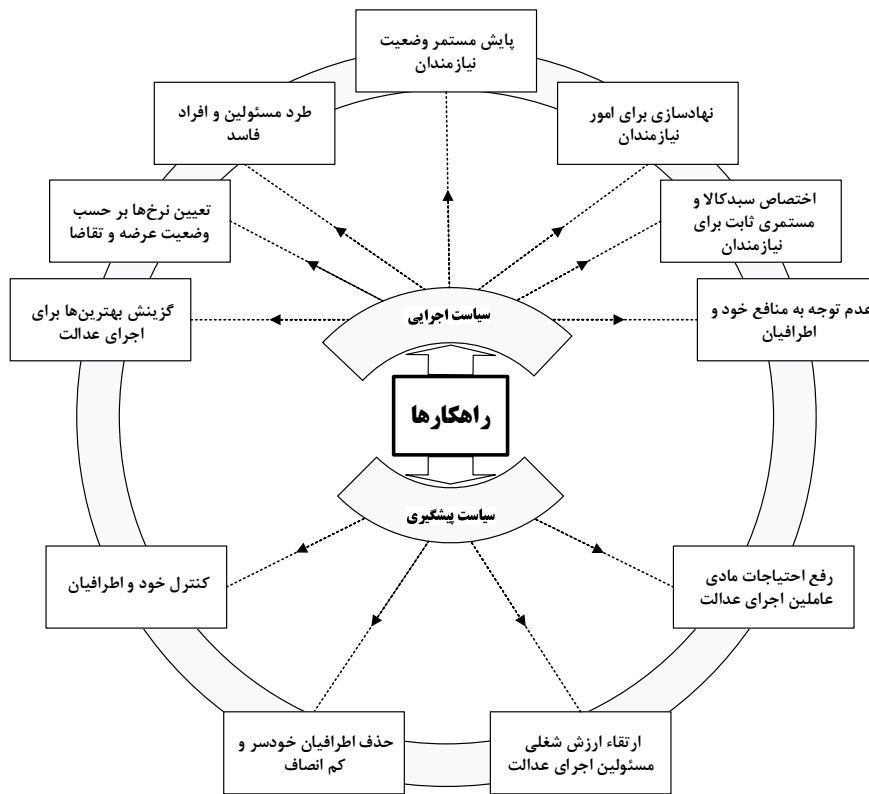


۳-۳. مقوله راهکارهای عدالت اجتماعی و فضایی

راهکارها، روش‌های دقیق‌تر برای انجام مأموریت‌ها هستند. راهکارها نیز مانند راهبردها از جنس روش‌اند. اصلی‌ترین تفاوت میان راهکارها و راهبردها، این است که راهکارها در ارتباط مستقیم با مأموریت‌ها یا اهداف قرار نمی‌گیرند (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳). در واقع راهبردها، روش‌ها یا سیاست‌های کلان دستیابی به اهداف هستند و راهکارها، روش‌ها یا سیاست‌های خرد اجرایی آن.

راهکارها را می‌توان بعد اجرایی و عملیاتی راهبردها به شمار آورد که با نزدیکی به واقعیت‌های موجود، راهنمای اقدامات‌اند و امکان تحقق اهداف را فراهم می‌آورند. طی فرایند تحلیل داده‌های حاصل از به‌کارگیری روش گراندد تئوری، بخشی از مفاهیم در نهایت ذیل عنوان «راهکارها» مقوله‌بندی شده‌اند که نشان‌دهنده راهکارها یا سیاست‌های اجرایی عدالت فضایی در شهراسلامی هستند. همان‌گونه که در شکل زیر نیز مشخص است، مقوله «راهبردها» خود به دو مفهوم اصلی «سیاست‌های اجرایی» و «سیاست‌های پیش‌گیری» تقسیم شده است.

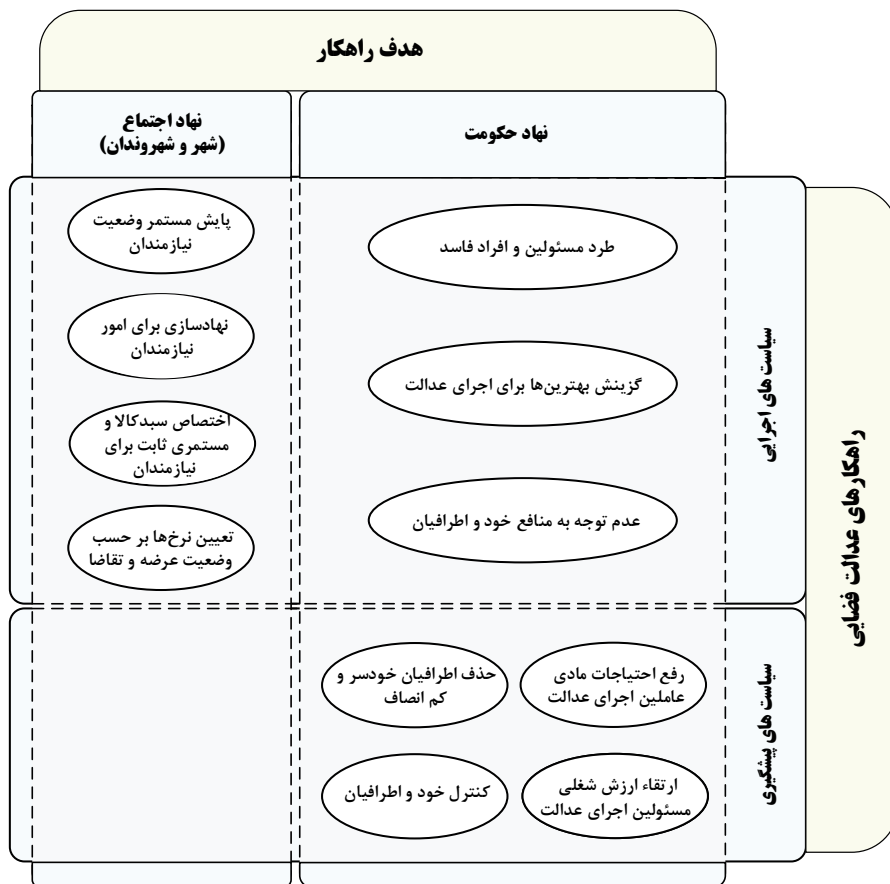
شکل شماره ۷. مفاهیم اصلی و فرعی مقوله راهکارهای عدالت فضایی



منظور از سیاست‌های اجرایی، مجموعه راهکارهایی است که برای پیاده‌سازی عدالت فضایی در شهر و در مقام اجرا قابل انجام‌اند. در مقابل، سیاست‌های پیشگیری عبارت‌اند از مجموعه راهکارهایی که اجرا و پایبندی به آنها موجبات پیشگیری از وقوع اعمال غیرعادلانه را فراهم می‌آورد. مجموعه راهکارهای یادشده، سیاست‌هایی هستند که باید در راستای تحقق عدالت فضایی و انجام اقدامات مربوطه، مد نظر قرار گیرند. با یک بررسی مختصر و گونه‌بندی راهکارهای فوق براساس بُعد «هدف»، می‌توان راهکارهای یادشده را در دو گروه عمده قرار داد: یک دسته، راهکارهایی که هدفشان نهاد و ساختارهای حاکمیتی است و دسته دیگر، راهکارهایی که هدف آنها یا محمل پیاده‌سازی‌شان اجتماع (شهر و شهروندان) است. همان‌گونه که در شکل شماره

۸ نیز مشخص است، تمرکز راهکارهای مربوط به سیاست‌های پیشگیری در بخش حاکمیت، نشان‌دهنده وجود منشأ اصلی بی‌عدالتی‌های اجتماعی در ساختارهای دولتی و حکومتی است. بنابراین می‌توان گفت که با سالم‌سازی سطوح مختلف ساختارهای دولتی و ملاک قرار دادن اصول عدالت، تحقق اهداف عدالت اجتماعی و فضایی در سطح جامعه دور از دسترس نخواهد بود.

شکل شماره ۸. گونه‌بندی راهکارهای عدالت فضایی بر اساس هدف و مقطع اقدام



نکته درخور توجه در راهکارهای ارائه‌شده، وجود چند راهکار مختلف با موضوعیت طبقات پایین اجتماع یا نیازمندان است. این امر نشان‌دهنده اهمیت فزاینده توجه به شهروندان نیازمند

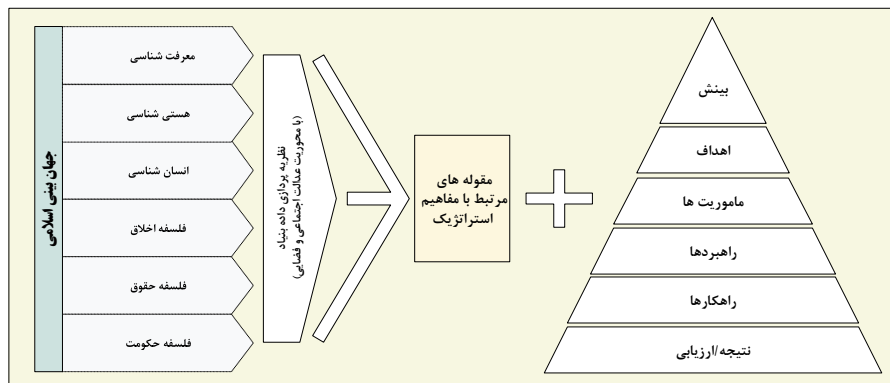
و یا محلات و مناطق فقیرنشین شهر در متن سیاست‌های عادلانه و توزیع منابع عمومی است. ایجاد نهادی مستقل برای رسیدگی به اوضاع مناطق و محلات شهری محروم در کنار رصد و پایش مستمر وضعیت این محلات که معمولاً دچار آسیب‌های اجتماعی و کالبدی پرشمارند، از اصلی‌ترین راهکارهای ارائه‌شده در این زمینه است.

نتیجه‌گیری و تبیین خروجی نهایی

بر اساس تحلیل‌ها و کدگذاری‌های صورت‌گرفته بر روی منابع اسلامی منتخب و ظهور مقولات و مفاهیم اساسی مرتبط با حوزه پژوهش و با نظر به ارتباط برخی مقولات استخراج‌شده با ادبیات برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، می‌توان به ارائه «مدل استراتژی عدالت اجتماعی - فضایی» همت گماشت.

مدل استراتژی عدالت اجتماعی و فضایی در شهر، حاصل تلفیق محتوای مقولات مرتبط با برنامه‌ریزی استراتژیک در قالب هرم برنامه‌ریزی استراتژیک است که فرایند کلی آن در شکل شماره ۹ ارائه شده است.

شکل شماره ۹. فرایند شکل‌گیری مدل استراتژی عدالت اجتماعی و فضایی

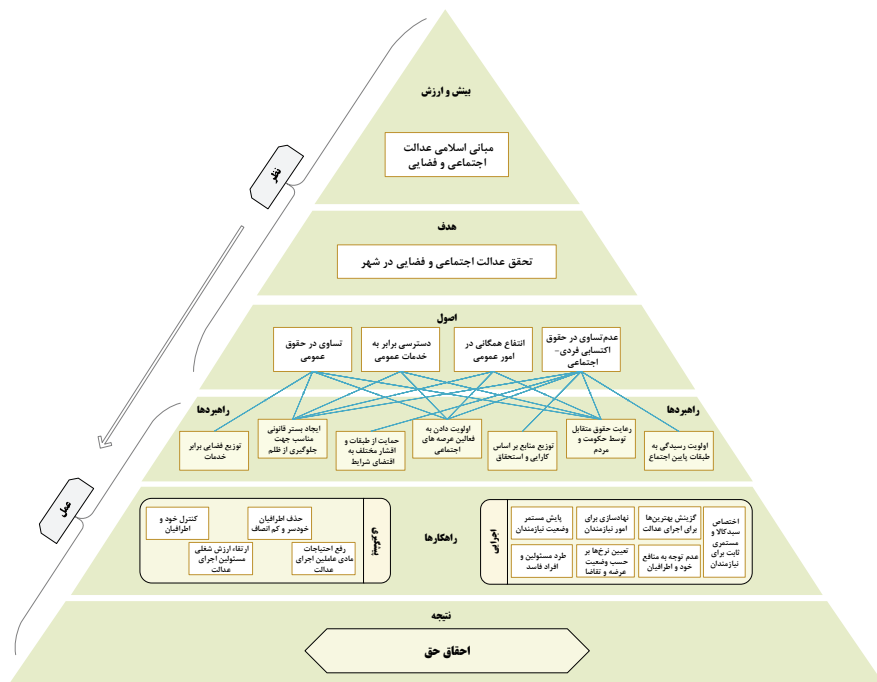


امروزه رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک، یکی از رویکردهای اصلی و درخور توجه در انواع برنامه‌ریزی‌ها، از جمله برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. بر اساس این رویکرد، لازمه موفقیت در هر نوع اقدام عملیاتی و دستیابی به اهداف مشخص شده، به تدوین و انتخاب راهبردهای صحیح و اقدام در راستای آنها بازمی‌گردد.

بر اساس نظر پیش‌گفته، در حوزه برنامه‌ریزی فضایی و شهری نیز، به‌ویژه در زمینه ایجاد تعادل

و عدالت اجتماعی و فضایی در سکونتگاه‌های شهری، داشتن اصول، راهبردها و راهکارهای متقن و قابل اعتماد اهمیت فراوان دارد. مدل استراتژی عدالت اجتماعی-فضایی، با همین رویکرد و با بهره‌گیری از ادبیات برنامه‌ریزی استراتژیک ارائه شده است (شکل ۱۰).

شکل شماره ۱۰. مدل استراتژی عدالت اجتماعی و فضایی (مدل پیاده‌سازی عدالت فضایی)



مدل هرم برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک با سلسله‌مراتب بینش، اهداف، اصول، راهبردها و راهکارها، یکی از کارآمدترین مدل‌های رایج در پیاده‌سازی ارزش‌ها در مسیر دستیابی به چشم‌انداز تعیین شده است. همان‌گونه که در شکل شماره ۱۰ مشخص است، اهداف و ارزش‌ها که منبعث از مبانی و بینش‌ها هستند، مفاهیمی کلان‌اند که در ساحت نظر قرار دارند. بهره‌گیری از الگوی یادشده و ساخت راهبردها و راهکارهایی که روش‌های کلان و خرد تحقق اهداف و اصول و ارزش‌ها را ارائه می‌دهند، با ایجاد فرایند گذر از ساحت نظر به عمل، زمینه عملیاتی شدن اهداف و ارزش‌ها را فراهم می‌آورد.

در مدل یادشده، با پشتوانه بینش و جهان‌بینی اسلامی و تبیین مبانی عدالت فضایی و اجتماعی

از این منظر، هدف محوری تحقق عدالت اجتماعی و فضایی در شهر، مهم‌ترین هدف تعیین شده در مدل است که در ادامه، اصول اساسی عدالت فضایی، در راستای تحقق این هدف طرح شده است. اصول عدالت فضایی واپسین گام از ساحت نظر است که با نظر به حوزه عملیات و تسهیل اقدام مطابق مبانی و نزدیک به حوزه عمل طرح شده است.

راهبردها و راهکارهای عدالت اجتماعی و فضایی، روش‌های کلان و خرد دستیابی به هدف تحقق عدالت اجتماعی و فضایی هستند که کاملاً عملیاتی‌اند و راهنمای اقدامات اجرایی و برنامه‌ریزی در سطوح اجرایی چون شهر و منطقه می‌باشند. بدیهی است که محتوای مدل یادشده، شامل مفاهیم و مقولات استخراج شده از منابع اسلامی است که می‌توان با توجه به حوزه و سطح مورد نظر در سطح راهبرد و راهکار اقدام به بسط آن کرد. معمولاً اصول و ارزش‌ها، بنیه و ریشه معرفت‌شناختی دارند و در گذر زمان به استثنای شرایط اقتضایی تغییر و تحولی نمی‌یابند؛ اما راهبردها و به‌ویژه راهکارها با نظر به وضعیت عدالت و بی‌عدالتی در جامعه و فاصله آن با وضعیت مطلوب، می‌توانند بسط یابند. در مقام کاربرد، مدل یادشده می‌تواند هم در ارزیابی وضع موجود و هم در برنامه‌ریزی اجتماعی برای دستیابی به مراتب عالی عدالت اجتماعی و فضایی مورد بهره‌برداری اندیشمندان و سیاست‌گذاران عمومی واقع گردد.

منابع

۱. اشتراوس، آ.، کوربین، ج. (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی رویه‌ها و روش‌ها، ب. محمدی، (مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. اصغری، ع. (۱۳۸۶). اصول تربیت. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۳. باقری، خ. (۱۳۸۲). هویت علم دینی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. بهروان، ح. (۱۳۸۵). آمایش فرهنگی و عدالت شهری در مناطق دوازده گانه شهرداری مشهد. مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۵. پورجعفر، م.، پورجعفر، ع. صفدری، س. (۱۳۹۴). انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهری آرمانی - اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال سوم. ۱۹-۳.
۶. جوان، ج.، و عبداللهی، ع. (۱۳۸۷). عدالت فضایی در فضاهاى دوگانه شهری (تبیین ژئوپلیتیکی الگوهای نابرابری در حاشیه کلانشهر مشهد). فصلنامه ژئوپلیتیک. ۱۳۱-۱۵۶.
۷. حکیم، ب. س. (۱۳۸۱). شهرهای عربی - اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی. م. ح. ملک احمدی، و ع. اقوامی مقدم، (مترجم). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. خاکپور، ب. (۱۳۸۵). سنجش سطح برخورداری مناطق شهر مشهد از نظر امکانات و خدمات فرهنگی با استفاده از مدل موریس. مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (pp. 585-602). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۹. خاکس، غ. (۱۳۷۸). روش تحقیق بارویکردی به پایان‌نامه نویسی. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۱۰. داداش‌پور، ه.، و رستمی، ف. (۱۳۹۰). سنجش عدالت فضایی یکپارچه خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت، قابلیت دسترسی و کارایی در شهر یاسوج. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱۰: ۱-۲۲.
۱۱. دانایی‌فرد، ح.، و مؤمنی، ن. (۱۳۸۷). تئوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی (ع) استراتژی تئوری داده‌بنیاد متنی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. ۷۵-۱۱۰.
۱۲. رهنما، م.، و ذبیحی، ج. (۱۳۹۰). تحلیل توزیع تسهیلات عمومی شهری در راستای عدالت فضایی با مدل یکپارچه دسترسی در مشهد. جغرافیا و توسعه. ۵-۲۶.

۱۳. شکرانی، ر. (۱۳۸۷). مهندسی فرهنگ اسلامی در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهر اسلامی. مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۱۴. ضرابی، ا.، و موسوی، م. (۱۳۸۹). تحلیل فضایی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری یزد. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ۲۷-۴۶.
۱۵. عمرانزاده، ب.، & زیاری، ک. (۱۳۹۴). تبیین شرایط و مقدمات تحقق شهر اسلامی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری ایرانی اسلامی (سیمای دیروز- چشم انداز فردا). شیراز: شهرداری شیراز.
۱۶. عمرانزاده، ب.، زیاری، ک.، پوراحمد، ا.، حاتمی نژاد، ح. (۱۳۹۳). بررسی آسیب‌شناسانه ایرادات حاکم بر مطالعات شهر اسلامی. فصلنامه جغرافیا، سال دوازده. ۷-۲۴.
۱۷. عمرانزاده، ب.، زیاری، ک.، پوراحمد، ا.، & حاتمی نژاد، ح. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۷۱-۷۰.
۱۸. فرامرز قراملکی، ا. (۱۳۸۵). روش‌شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۹. فلیک، ا. (۱۳۹۰). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. ه. جلیلی، (مترجم). تهران: نشر نی.
۲۰. کامران، ح.، پریزادی، ط.، و حسینی امینی، ح. (۱۳۸۹). سطح‌بندی خدمات شهری در مناطق کلانشهر تهران. فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول. ۱۴۷-۱۶۴.
۲۱. مرصوصی، ن. (۱۳۸۲). تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران (مطالعه موردی شهرداری تهران). پایان‌نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲۲. منصوریان، ی. (۱۳۸۶). گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟. ویژه‌نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی.
۲۳. نقره‌کار، ع.، مظفر، ف.، و نقره‌کار، س. (۱۳۸۹). مدل‌سازی، روشی مفید برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای. نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱: ۱۲۹-۱۳۸.
۲۴. نقره‌کار، ع. (۱۳۹۵). نسبت اسلام با فرایندهای انسانی فرا نظریه سلام. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی. ۱-۲۱.
۲۵. نقی‌زاده، م. (۱۳۹۴). آموزه‌های قرآنی و شهر آرمانی اسلام. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال سوم. ۴۶-۶۴.

۲۶. وارثی، ح.، قاندرحمی، ص.، و باستانی فر، ا. (۱۳۸۶). بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت، مطالعه موردی: شهر اصفهان. جغرافیا و توسعه. ۹۱-۱۰۶.
27. Le Tourneau, R., & Paye, L. (1935). *La corporation des tanneurs et l'industrie de la tannerie à Fès*. Hespéris 21.
28. Abu-Lughod, J. (1987). The Islamic City-Historic Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance. *International Journal of Middle East Studies*, 19, 155-176.
29. Brunshvig, R. (1947). Urbanisme médiéval et droit musulman. *Revue des Etudes Islamiques*, 127-155.
30. Lapidus, I. (1967). *Muslim Cities in the Later Middle Ages*. Cambridge: University of Cambridge.
31. Lapidus, I. (1973). The Evolution of Muslim Urban Society. *comparative studies in society and history*, 15, 21-50.
32. Marçais, G. (1937). *Tunis et Kairouan*. Paris.
33. Marçais, W. (1928). L'Islamisme et la vie urbaine. *Comptes rendus de L'Académie des Inscriptions et Belles Lettres*, 86-100.
34. Massignon, L. (1920). Les corps de métiers et la cité islamique. *Revue Internationale de Sociologie*.
35. Raymond, A. (2008). THE SPATIAL ORGANIZATION OF THE CITY. In s. k. Jayyusi, R. Holod, A. Petruccioli, & A. Raymond, *The City in the Islamic World* (pp. 47-70). Leiden: Brill.